

## نقاشی و مجسمه سازی در آینه فقه

پدیدآورنده (ها) : جباران، محمدرضا

فلسفه و کلام :: نشریه سروش اندیشه :: بهار ۱۳۸۱ - شماره ۲

صفحات : از ۱۷۸ تا ۱۹۵

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/68238>

تاریخ داندلود : ۱۴۰۲/۰۸/۳۰

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



## مقالات مرتبط

- پیشنهادی در ادوار تحولات فقه امامیه
- فقه و عرف
- کاربردهای قاعده الواحد در علوم اسلامی
- دلالت‌های نظریه جهان‌های اجتماعی در بازسازی تحلیل گفتمان لاکلا و موفه (تمهید نظریه گفتمان بومی)
- تفاوت قاعده ی اصولی با قاعده ی فقهی
- مفهوم سازی انقلاب و مشکلات تحلیل نظری
- پژوهش در زمینه فقه و مبانی حقوق اسلامی : بررسی حکم فقهی مجسمه سازی
- گفتگو با استاد علی‌دوست؛ روش شناسی اجتهاد
- ارتباط وجوهات شرعی و مالیات های حکومتی در الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی (دلالت هایی برای حل پرداخت های دوسویه)
- چرا باید ابن خلدون را اشعری خواند؟
- مقایسه روش اجتهادی صاحب جواهر و محقق خویی
- مجسمه میادین تهران از اقتدارگرایی پیکره ای تا فردگرایی انتزاعی

## عناوین مشابه

- پژوهش در زمینه فقه و مبانی حقوق اسلامی : بررسی حکم فقهی مجسمه سازی
- سنت و هویت در نقاشی و مجسمه سازی کره جنوبی
- پیامدهای بحران بیماری کرونا در هنر معاصر ایران با تکیه بر حوزه های هنری نقاشی، مجسمه سازی، سینما و تئاتر
- بررسی و تحلیل نقش و جایگاه دانش فقه در تمدن سازی
- بررسی تطبیقی روش و دیدگاه های علوم قرآنی مرحوم مغنیه و وهبه زحیلی در بحث مفاهیم اصول فقه (در آینه تفاسیر «مواهب الرحمن» و «فی ظلال القرآن»)
- رابطه صنایع دستی و مجسمه سازی در ایران
- آشکار سازی و حفاظت تزئینات پنهان نقاشی در خانه صدقیانی تبریز
- روش ها و مصالح سنتی پیاده سازی نقاشی دیواری و نقش برجسته در ایران
- هدف رونق و گسترش هنر مجسمه سازی در ایران است؛ گفت و گو با سید مجتبی موسوی دبیر هشتمین سمپوزیوم بین المللی مجسمه سازی تهران
- حقوق فکری در آینه فقه و حقوق

# نقاشی و مجسمه سازی

محمدرضا جباران

## درآمد:

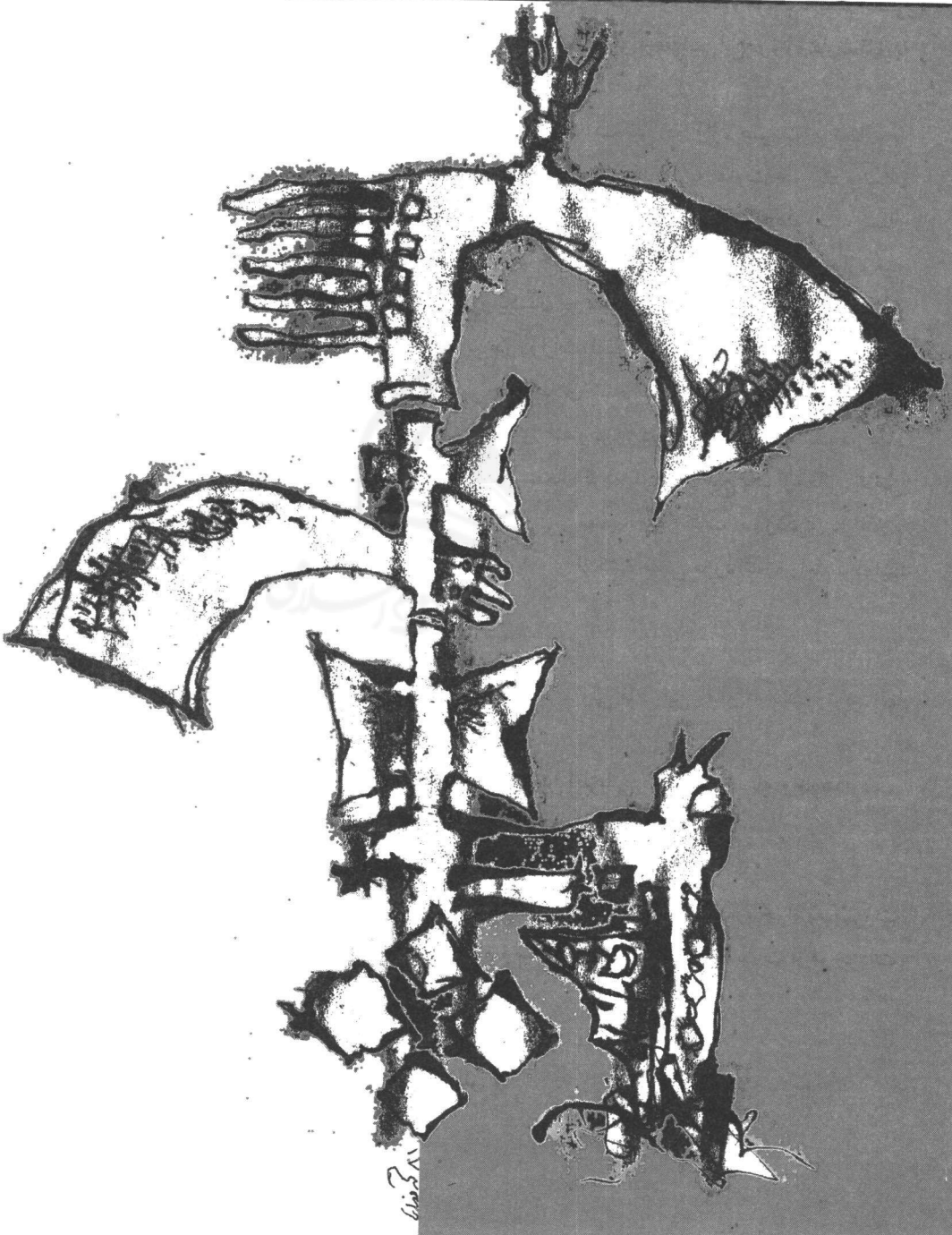
نقاشی و مجسمه سازی از جمله هنرهای هستند که از دیرباز در زندگی انسان حضور داشته اند. از این رو از صدر اسلام تحت دو عنوان صورتگری (تصویر) و تمثال سازی (تمثیل) به تفصیل در فقه اسلامی مورد بحث قرار گرفته اند.

تا آنجا که ما می دانیم جز بعضی از فقهای اهل سنت که تنها از طریق نقل به نظریه آنها پی برده<sup>۱</sup> و نام ایشان بر ما معلوم نیست، هیچ یک از فقها به طور مطلق به جواز نقاشی و مجسمه سازی فتوا نداده اند. از دانشمندان شیعی تنها شیخ طوسی در تبيان<sup>۲</sup> و طبرسی در مجمع البیان<sup>۳</sup> به کراهت صورتگری قائل شده اند. ولی هر چند می توان این قول را با جواز مطلق تطبیق داد، اولاً موضوع این دو کتاب تفسیر است و نمی توان برای وقوف بر نظریه فقهی به آنها اعتماد کرد. ثانیاً شیخ طوسی در کتب دیگر خود از جمله نهاییه<sup>۴</sup> که مخصوص فتاوی فقهی اوست برخلاف آن فتوا داده است. و هم از این روست که بزرگانی چون حضرت امام (ره)<sup>۵</sup> و آقای خوبی<sup>۶</sup> درباره صورتگری با صرف نظر از قیود و شرایط نوشته اند: «حرمت آن از شیعه و سنی هیچ مخالفی ندارد.»

## واژه شناسی:

گفتیم درباره نقاشی و مجسمه سازی در فقه، تحت دو عنوان صورتگری و تمثال سازی بحث شده، از این رو لازم است بیش از هر چیز نسبت بین این دو واژه معلوم شود تا در صورت وجود

# در آئینه فقه



۱۸  
کتابخانه

تفاوت، حکم یک موضوع بر موضوع دیگر مترتب نشود.

در نگاهی ابتدایی به نظری می‌آید دو واژه صورت و تمثال با هم متفاوت بوده و هر یک به قسم خاصی از محصولات هنری اطلاق می‌شوند. به همین علت بسیاری از فقهای بین این دو واژه تفاوت قایل به گونه‌های مختلف آنها را از هم جدا کرده‌اند.

بیان‌های مختلف و گاهی متضاد<sup>۷</sup> در تقریر تفاوت بین دو واژه صورت و تمثال، به ضمیمه سکوت اهل لغت از بیان فرق آنها، نشان می‌دهد نظریه تفاوت صورت و تمثال به اصل اصیلی مستند نیست. در کتب لغت نه تنها به تفاوت معنی واژه صورت و تمثال اشاره‌ای نشده بلکه به گونه‌ای به هم پیوند خورده‌اند که معلوم می‌شود این دو واژه هیچ تفاوتی با هم نداشته و هر دو به طور یکسان به مجسمه و نقاشی موجودات جاندار و بی‌جان اطلاق می‌شوند. علاوه بر این در روایات، لفظ صورت و تمثال، هم بر مجسمه و هم بر نقاشی موجودات جاندار و بی‌جان اطلاق شده است. فقها نیز علی‌رغم اینکه در بحث از این دو واژه هر یک را به گونه‌ای متفاوت با دیگری معنی کرده‌اند، در مقام استعمال، واژه صورت و تمثال را طوری استعمال کرده‌اند که در هیچ یک از معانی خاص ظهور ندارند و تنها با قرینه می‌توان منظور از آن را فهمید. ما در کتاب صورت‌نگری در اسلام تعداد زیادی از این روایات را نقل کرده و پاره‌ای از کتب فقهی مورد اشاره را نام برده‌ایم.

### نظریات مشهور:

فقها در مسئله صورت‌نگری نظریات متعددی دارند ولی ما در این مقاله به مشهورترین آنها اشاره می‌کنیم.

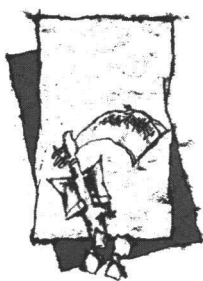
مروری بر کتب فقهی نشان می‌دهد مشهورترین نظریاتی که در این مسئله وجود دارد سه قول است که با تعمق بیشتر می‌توان آنها را در دو قول خلاصه کرد.

۱- حرمت شبیه‌سازی از موجودات جاندار

طبق این قول ساختن هرگونه صورت و تمثال از موجودات جاندار، خواه به صورت مجسمه و خواه به صورت نقاشی، حرام و ساختن هرگونه تمثال و صورت از موجودات بی‌جان مثل جامدات و نباتات جایز است...

این قول را بسیاری از فقهای شیعه و سنی برگزیده‌اند.<sup>۸</sup>

۲- حرمت مجسمه‌سازی به طور مطلق



طبق این قول ساختن هرگونه مجسمه، چه از جانداران و چه از موجودات بی جان، حرام و کشیدن نقاشی به طور مطلق جایز است. این قول، از اطلاق، عبارت بسیاری از کتب از زمان مرحوم مفید تا شهید ثانی<sup>۹</sup> استفاده می شود ولی فقهای متاخر از این اطلاق، معنی مقیدی را برداشت کرده، معتقدند منظور نویسندگان این کتب تنها تحریم مجسمه جانداران است.<sup>۱۰</sup> آنچه موجب می شود این برداشت قطعی شود، این است که برخی از صاحبان این عبارت مطلق، مثل علامه حلی و شهید اول عبارات مطلق فقهای پیش از خود را بر همین معنی (تحریم مجسمه جانداران) حمل کرده اند.<sup>۱۱</sup> بنابراین می توان گفت: این قول تنها یک نظریه است و در بین فقها قائلی ندارد و تمام کسانی که به این صورت عباراتی مطلق آورده اند را در زمره طرفداران قول سوم شمرد.

### ۱- حرمت مجسمه جانداران

طبق این قول، نقاشی به طور کلی و ساختن مجسمه موجودات بی جان از حیثه حکم حرمت خارج است و تنها ساختن مجسمه جانداران حرام می باشد. بنا بر آنچه در توضیح نظریه پیشین گفتیم می توان گفت این قول مشهورترین و رایج ترین قول در باب صورتگری است، به طوری که در طول تاریخ فقه بیشترین طرفدار را به خود اختصاص داده است و هم از این رو بسیاری از فقهای بزرگ آن را اجماعی شمرده اند.<sup>۱۲</sup> بنابراین در مسئله صورتگری دو قول مشهور وجود دارد:

۱- حرمت تصویر موجودات جاندار اعم از نقاشی و مجسمه

۲- حرمت ساختن مجسمه جانداران

در توضیح قول اول این نکته قابل ذکر است که مجسمه در اصطلاح فقهی با معنی عرفی متفاوت است در اصطلاح فقهی هر نقشی که در صورت تابش نور، ایجاد سایه کند مجسمه نامیده می شود.<sup>۱۳</sup> بنابراین هر حکمی که بر مجسمه سازی مترتب شود بر برجسته کاری نیز مترتب است.

### صورتگری در روایات

از روایات فراوانی که در مورد صورتگری (نقاشی و مجسمه سازی) وارد شده تعداد اندکی از نظر سند معتبر می باشند، ولی با این حال، توجه به کثرت روایاتی که با مضامین

مختلف درباره صورتگری به دست ما رسیده تردیدی باقی نمی‌گذارد - همانطور که پیش از این گفتیم- صورتگری فی الجمله حرام است. ما به منظور دستیابی به نظری صحیح، روایات معتبری را که در این باب وارد شده نقل و بررسی می‌کنیم. روایاتی که برای این بحث گزینش شده به دو دسته قابل تقسیم‌اند:

۱- روایاتی که عمل صورتگری را منع می‌کنند.

۲- روایاتی که درباره صورت و تمثال ساخته شده، سخن می‌گویند.

## دسته اول

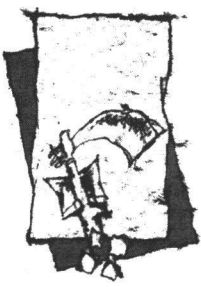
روایاتی که عمل صورتگری را منع می‌کنند:

۱. برقی از امیرالمومنین علی (ع) روایت کرده است که فرمود: «من جدد قبر او مثل مثالا فقد خرج عن الاسلام»<sup>۱۴</sup>

یعنی: کسی که قبری را نوسازی کند یا تمثالی بسازد از دین اسلام خارج می‌شود. بدون شک هر عملی موجب خروج فاعل از حوزه اسلام شود حرام است. بنابراین، این حدیث بر حرمت موضوع خود یعنی نوسازی قبر و ساختن تمثال دلالت دارد. ولی مهم این است که بدانیم منظور از این دو عنوان چیست.

همانطور که می‌دانیم پاره‌ای از افعال در دین اسلام با شدت و تاکید تحریم شده ولی هیچ یک از آنها موجب خروج انسان از مسلمانی نیست، به عنوان مثال قتل نفس، سرقت، زنا و شرب خمر گناهان کبیره‌ای هستند که اسلام آنها را ممنوع کرده است، ولی هیچ کس نگفته کسی که یکی از این کارها را انجام دهد مسلمان نیست. پس تجدید قبر و ساختن تمثال که موجب خروج از اسلام می‌شود شنیع‌تر از همه این گناهان است. و می‌دانیم که ساختن مجسمه و بازسازی یک قبر در چنین حدی از شناعت نیست.

از این مقایسه استفاده می‌شود که منظور از صورت سازی در این روایات ساختن مجسمه یا کشیدن نقاشی معمولی نیست، همانطور که منظور از تجدید قبر بازسازی یک قبر کهنه نیست، بلکه مراد از قبر و صورت در این روایت همان قبور و صورتهایی است که در دوران جاهلیت مورد پرستش قرار می‌گرفتند و اسلام آنها را از بین برده پرستش آنها را منسوخ کرد. بنابراین، معنی این روایت این است که اگر کسی دوباره زمینه توجه عبادی مردم به قبور و صورتهای منسوخ شده زمان جاهلی را فراهم نماید از اسلام خارج



می شود. نتیجه اینکه موضوع این روایت با موضوع بحث ما که ساختن مجسمه به عنوان یک فعالیت هنری است متفاوت است و در این مسئله نمی توان به آن استناد کرد. ۲. مرحوم کلینی از امام صادق (ع) نقل کرده است که در تفسیر آیه شریفه «یعملون له مایشاء من محاریب و تمائیل»<sup>۱۵</sup> فرمود: «والله ما هی تمائیل الرجال و النساء و لکنه لشجر و شبهه»<sup>۱۶</sup> یعنی حضرت امام صادق (ع) در تفسیر آیه «برای سلیمان هر چه ساختمان و تمثال می خواست می ساختند»، فرمود: «به خدا قسم آنها تمثال انسان نمی ساختند، بلکه تمثال درخت و امثال آن را می ساختند».

آیه ای که در این روایت مورد بحث قرار گرفته، در ضمن داستان حضرت سلیمان در قرآن کریم آمده و نشان می دهد که جنیان برای حضرت سلیمان تمثال هایی می ساخته اند که آن حضرت از آنها می خواسته، ولی طبق این روایت حضرت صادق (ع) با قسم تاکید می فرماید که آنها تمثال درخت می ساخته اند نه تمثال انسان. از این بیان معلوم می شود ساختن تمثال انسان در دین ممنوع است و گرنه نفی آن از ساحت حضرت سلیمان وجهی ندارد.

اشکالی که بر دلالت این حدیث وارد شده این است که این حدیث در ارتباط با یک قضیه خارجی صادر شده، موضوعی که کم و کیف آن برای ما معلوم نیست. از این رو برای اثبات حکم شرعی نمی توان به آن استدلال کرد.

۳. در متون روایی شیعه و سنی روایات زیادی وارد شده که دلالت می کنند هرکس صورتی ایجاد کند روز قیامت مکلف می شود در آن روح بدمد و چون نمی تواند، عذاب می شود.<sup>۱۷</sup> به عنوان نمونه برقی از امام باقر (ع) روایت کرده است که فرمود: «ان الذین یؤذون الله و رسوله هم المصورون یكلفون یوم القیامه ان ینفخوا فیها الروح».<sup>۱۸</sup> یعنی آنان که خدا و رسول را آزار می دهند همان صورتگرانند در روز قیامت مکلف می شوند در ساخته های خود روح بدمند.

این روایات در عین فراوانی همگی از نظر سند ضعیف و غیر قابل اعتمادند؛ ولی با این حال به خاطر کثرت، تعدد طریق و نقل در جوامع روایی شیعه و سنی به نظر می آید مضمون آنها قابل اعتماد باشد و همین مقدار برای اعتماد به یک مضمون کافی است. نکته اصلی در تطبیق این روایات، با مجسمه و نقاشی معمولی است. دقت در سیاق این احادیث نشان می دهد که موضوع آنها مجسمه و نقاشی معمولی نیست، زیرا بر فرض



که نقاشی و مجسمه سازی حرام باشد، در عداد محرمات دیگر است، در حالی که این روایات درباره حرامی فوق العاده بحث می کنند. چرا که این روایات از عذاب ابدی صورت ساز خبر می دهند «او را عذاب می کنند تا در آنها روح بدمد و او نمی تواند». منظور از این سخن این است که صورت ساز تا ابد مورد عذاب قرار می گیرد. می دانیم که عذاب ابدی مناسب یک حرام معمولی نیست و همانطور که می دانیم مجسمه سازی معمولی در حدی نیست که موجب آزار خدا و رسول باشد. بنابراین موضوع این روایات نقاشی و مجسمه سازی معمولی نیست بلکه نقاشی و مجسمه ای است که برای پرستش ساخته می شوند.

## دسته دوم

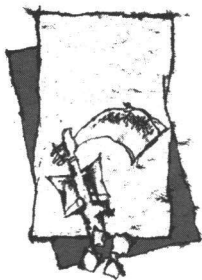
روایاتی که از صورت و تمثال ساخته شده سخن می گویند:

۱- برقی از امام صادق از امیرالمومنین (ع) نقل کرده است که فرمود: «بعثنی رسول الله (ص) الی المدینه فقال: لاتدع صورة الامحوتها ولاقبرا الاسویته ولاکلبا الاقتله». ۱۹  
یعنی: پیامبر اکرم مرا به مدینه فرستاد و فرمود: همه صورتها را نابود کن، همه قبرها را هموار کن و همه سگها را بکش.

این روایت دلالت می کند که از بین بردن صورت و تمثال واجب و ابقای آن حرام است و چون حرمت ابقای چیزی بر مبعوضیت وجود آن دلالت می کند، معلوم می شود ایجاد آن چیز هم حرام می باشد. بنابراین ایجاد صورت و تمثال حرام است. ولی به نظر می رسد این روایت و روایات مشابهی<sup>۲۰</sup> که در این باب وارد شده، ناظر به قضایای خارجی هستند. یعنی این روایات در صدد هستند حکم موضوعاتی خاص در شرایطی ویژه را بیان کنند بنابراین نمی توان به وسیله این روایات بر حرمت صورتگری اعم از نقاشی و مجسمه سازی استدلال کرد. حضرت امام (قده) معتقد است صورتهایی که امیرالمومنین مامور به شکستن آنها شده، با توجه به تناسب حکم و موضوع، همان هیاکل عبادت و بت های مورد پرستش مشرکان بوده است.<sup>۲۱</sup>

برای تایید این نظریه می توان به چند وجه استناد کرد:

۱-۱- در پاره ای از روایاتی که به این مضمون وارد شده در کنار واژه صورت، واژه «وثن» به معنی بت نیز به کار گرفته شده است.<sup>۲۲</sup>



۱-۲- سیره پیامبر اکرم (ص) در ارتباط با اقوام تازه مسلمان مبتنی بر سخت گیری و دقت در جزئیات نبوده است. آن حضرت همین اندازه که قومی به اصول اعتقادات اسلام معتقد و به ارکان عملی دین ملتزم باشند، قناعت می کرد و به مسائل کوچکی چون شکل قبور، ساختن مجسمه و نقاشی و حال سگهای یک شهر نمی پرداخت.

۱-۳- اگر بپذیریم که موضوع ماموریت حضرت امیر شکستن مجسمه های معمولی بوده، باید بپذیریم که کشتن سگهای معمولی نیز واجب است، در حالی که هیچ فقیهی به این امر ملتزم نمی شود.

۱-۴- اگر موضوع این ماموریت شکستن مجسمه های معمولی و کشتن سگهای معمولی بود، نیاز به شخصیت برجسته ای مثل امیرالمؤمنین که پیامبر اکرم در مهم ترین امور دین به او نیاز داشت، نبود.

بنابراین معلوم می شود این روایت در صدد بیان ماموریتی است که برای مقابله با مظاهر شرک مثل بت ها و قبوری که مورد احترام مشرکان بوده انجام شده و منظور از سگ در این حدیث سران کفر است که همانند سگ، بندگان صالح و اهل ایمان را هراسان کرده، برای ایشان ایجاد مزاحمت می کرده اند. چنانکه در روایتی دشمنان اهل بیت نیز سگ نامیده شده اند.<sup>۲۳</sup>

طبق این توجیه تمام فقرات روایت هماهنگ شده، ماموریتی مهم که در شان بزرگمردی چون علی (ع) باشد را بیان می کنند و هیچ ربطی به موضوع بحث ما که نقاشی و مجسمه سازی معمولی است ندارد.

۲ - از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: «لاتبنوا علی القبور و لاتصوروا سقوف البيوت، فان رسول الله (ص) کره ذلک».<sup>۲۴</sup>

یعنی: بر روی قبرها ساختمان نسازید و سقف خانه ها را نقاشی نکنید زیرا رسول خدا این کار را خوش نداشت.

در این باب یک روایت معتبر دیگر وارد شده که نشان می دهد امام صادق (ع) نیز خوش نداشت در خانه صورت باشد.<sup>۲۵</sup> همچنین به این مضمون دو روایت دیگر وارد شده<sup>۲۶</sup> که چون سند معتبری نداشتند از نقل آنها صرف نظر کردیم. به هر حال این روایات بر حرمت نقاشی و مجسمه سازی دلالت ندارند چون نهایت دلالت آنها این است که معصومین وجود تمثال و صورت را در خانه دوست نداشته اند و می دانیم که آن حضرات تنها از

محرمات اکراه نداشته‌اند بلکه از مکروهات و پاره‌ای از مباحات نیز اجتناب می‌کرده‌اند.  
۳- در کتب روایی شیعه و اهل سنت روایات زیادی وارد شده که دلالت می‌کنند فرشتگان از ورود به محلی که در آن مجسمه‌ای نصب شده باشد اجتناب می‌کنند ما برای نمونه یکی از این روایات را نقل می‌کنیم.

برقی از امام صادق (ع) نقل کرده است که فرمود: «ان جبرئیل قال: انا لاندخل بیتا فیه کلب و لاصورة انسان و لاییتا فیه تمائیل».<sup>۲۷</sup>

یعنی: جبرئیل گفت: ما به خانه‌ای که در آن سگی باشد یا صورتی باشد یا در آن تمثالهایی باشد وارد نمی‌شویم.

مفاد روایاتی که به این مضمون وارد شده این است که فرشتگان به خانه‌ای که مجسمه یا نقاشی در آن باشد وارد نمی‌شوند ولی عدم ورود فرشته به خاطر مجسمه و نقاشی بر حرمت نقاشی و مجسمه دلالت نمی‌کند.

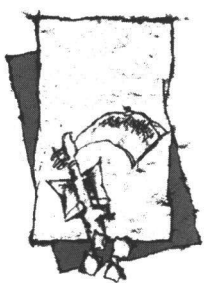
۴- برقی از محمد بن مسلم روایت کرده است که گفت: «سألت ابا عبد الله (ع) عن تمائیل الشجر و الشمس و القمر، فقال: لا بأس ما لم یکن شیئا من الحیوان».<sup>۲۸</sup>  
یعنی: از حضرت صادق (ع) درباره تمثال درخت، خورشید و ماه سؤال کردم، فرمود هر چه تمثال حیوان نباشد اشکال ندارد.

اشکالاتی که به دلالت این حدیث شده به طور خلاصه به شرح زیر است:

الف: موضوع سؤال در این حدیث معلوم نیست. ما نمی‌دانیم راوی در این جمله از چه چیزی پرسش نموده، ساختن تمثال و صورت، نگهداری مجسمه و نقاشی، بازی کردن با آنها، نماز گزاردن در مقابل آنها یا تزئین خانه به وسیله آنها. چرا که همه این مسائل در روایات مطرح شده و این جمله ممکن است به هریک از معانی فوق حمل شود. بنابراین، این حدیث مجمل است و معنی آن روشن نیست.

ب: در صورتی این حدیث بر حرمت نقاشی و مجسمه‌سازی دلالت دارد که لفظ «ما» در جمله جواب، شرطیه باشد. در حالی که بعضی آن را موصوله یا ظرفیه دانسته‌اند و در هر دو صورت مفهوم آن قابل تمسک نیست چون از قبیل مفهوم وصف است.<sup>۲۹</sup>

ج: در صورتی که از دو اشکال فوق صرف نظر کنیم این جمله در صورتی بر حرمت دلالت می‌کند که «بأس» در حرمت ظهور داشته باشد چون امام فرمود: هر چه تمثال حیوان نباشد اشکال (بأس) ندارد در حالی که بأس به معنی اشکال است و اشکال اعم از



حرمت و کراهت است.<sup>۳۰</sup>

نتیجه اینکه به وسیله این حدیث نمی‌توان بر حرمت نقاشی و مجسمه‌سازی حتی در خصوص جانداران استدلال کرد.

۵. برقی از امام صادق (ع) روایت کرده است که فرمود: «لاباس بتمائیل الشجر».<sup>۳۱</sup> یعنی: ساختن تمثال درخت اشکالی ندارد.

از اینکه امام (ع) از تمثال درخت نفی اشکال فرموده معلوم می‌شود که ساختن تمثال جانداران جایز نیست.

به دلالت این روایت دو اشکال شده

الف: اینکه این جمله اصلاً مفهوم ندارد که بتوانیم به مفهوم آن استناد کنیم. بنابراین، این حدیث فقط بر جواز ساختن تمثال درخت و امثال آن دلالت دارد و هیچ ارتباطی با تمثال موجود زنده از قبیل انسان و حیوان ندارد.

ب: بر فرض که این جمله مفهومی داشته باشد مفاد مفهوم از منطوق فراتر نخواهد رفت و چون باء س به معنی اشکال و اعم از حرمت و کراهت است معلوم می‌شود که ساختن تمثال حیوانات فی الجمله اشکال دارد، ولی معلوم نیست این اشکال در حد حرمت باشد. بنابراین، جمله مجمل است و باید به قدر متیقن آن، یعنی کراهت عمل کرد.

۶. برقی از ابویصیر از امام صادق (ع) روایت کرده است که فرمود:

«قال رسول الله (ص): اتانی جبرئیل، قال یا محمد (ص) ان ربک یقرئک السلام و ینهی عن تزویق البیوت. قال ابویصیر: فقلت: و ما تزویق البیوت؟ فقال تصاویر التمائیل».<sup>۳۲</sup>

یعنی پیامبر اکرم (ص) فرمود: جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای محمد پروردگارت سلام می‌رساند و از تزئین خانه نهی می‌کند. ابویصیر می‌گوید پرسیدم: منظور از تزئین خانه‌ها چیست؟ فرمود: منظور قراردادن تمثال در خانه است.

این حدیث از نهادن تمثال در خانه نهی می‌کند، از این جهت نگهداری تمثال حرام می‌شود و چیزی که نگهداری آن حرام باشد ساختنش نیز حرام است. بنابراین، نقاشی و ساختن مجسمه حرام می‌باشد.

اشکالی که به این استدلال وارد است اینکه:

اولاً: معلوم نیست که نهی به اصل نگهداری تمثال و صورت تعلق گرفته باشد، چون موضوع حدیث تزئین خانه با تمثال است نه نگهداری تمثال، از این رو نمی‌توان گفت

پس ساختن تمثال هم حرام است. چون ممکن است این نهی برای جلوگیری از اسراف و تجمل باشد. این برداشت را می‌توان با روایتی که از طریق اهل سنت وارد شده تأیید کرد. در روایتی از عایشه نقل شده که پیامبر اکرم از سفر می‌آمد من پرده‌ای نصب کردم<sup>۳۳</sup> که با عکس اسبهای بالدار مزین بود<sup>۳۴</sup> وقتی حضرت پرده را دید فرمود: آن را بردار. خدا به ما نفرموده است سنگ و گل را با پارچه بپوشانیم<sup>۳۵</sup>.

و ممکن است این نهی برای جلوگیری از شباهت خانه مسلمانان به خانه‌های بت پرستان باشد. بنابراین وجه، نهی از تزئین خانه به وسیله تمثال، کنایه از نهی نماز گزاردن در چنین خانه‌هایی است.<sup>۳۶</sup>

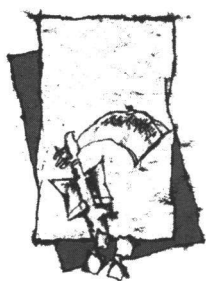
و بر فرض که نهی به نگهداری تعلق گرفته باشد. این نهی به قرینه روایاتی که نگهداری مجسمه را تجویز می‌کنند، نهی تنزیهی است نه تحریمی.

### خلاصه بحث

از مجموع آنچه گذشت استفاده می‌شود هیچ یک از روایات معتبری که در این باب وارد شده به طور مطلق بر حرمت صورتگری اعم از نقاشی و مجسمه سازی دلالت ندارند. چرا که اکثر این روایات اصلاً بر حرمت دلالت ندارند و تعداد اندکی نیز که بر حرمت دلالت می‌کنند به نقاشی و مجسمه سازی معمولی نظر ندارند، بلکه از تمثالها و صورتهایی سخن می‌گویند که به قصد پرستش ساخته می‌شوند.

بنابراین، ملاک حرمت صورتگری این است که اعراب به خاطر قرب عهده‌ای که با زمان جاهلیت داشتند با آنکه به اسلام روی آورده بودند باز هم به بت‌ها علاقه قلبی داشتند و برای اینکه آثار گذشتگان خود را حفظ کنند، امثال آنها را می‌ساختند. از این رو پیامبر اکرم به شدت از ساختن صورت و تمثال نهی کرد تا کفر و زندقه ریشه کن و از حریم توحید دفاع کرده باشد.<sup>۳۷</sup>

برای تأیید این مطلب می‌توان به روایتی که از وجود مقدس ولی عصر (عج) به دست ما رسیده استناد کرد. صدوق در اکمال‌الدین<sup>۳۸</sup> از محمد بن عثمان عمروی روایت کرده است که تعدادی مسئله از امام (ع) پرسیده و حضرت جواب آنها را برایش نوشته است در جواب یکی از مسائل محمد بن عثمان آمده است: «اما این مسئله که درباره نماز گزارای پرسیده‌ای که آتش یا صورت یا چراغ در مقابل او باشد، این کار برای کسی جایز است که پدر و



مادرش بت پرست و یا آتش پرست نبوده باشد». این حدیث شریف ما را به این نکته توجه می دهد که شخص تازه مسلمان که پدر و مادرش را در حال پرستش بت دیده، نمی تواند در حال نماز مجسمه را در مقابل داشته باشد هر چند به بت یا آتش توجه نکند و هیچ حس تقدیس و تجلیلی در او انگیزخته نشود. از این رو همان بهتر که تاریخه کن شدن این گرایش درونی، او را از ساختن هرگونه مجسمه و صورتی بازداشت.

از مباحث گذشته استفاده کردیم که نقاشی و مجسمه اگر به قصد پرستش و با گرایش عبادی ساخته شود به هر صورت حرام است. ولی در صورتی که به عنوان یکی از فعالیت های جاری زندگی که فعالیت هنری نیز از آن جمله است، صورت پذیرد جایز است. ادله جواز صورتگری حکم به جواز و اباحه در هر موردی مطابق با اصل است و نیاز به اقامه دلیل و اثبات ندارد. آنچه در شرع مقدس محتاج اقامه برهان و اثبات است حکم به تحریم چیزی است. بنابراین همین که برای حرمت نقاشی و مجسمه سازی دلیلی اقامه نشود جواز آن خود به خود ثابت می شود و نیاز به هیچ دلیلی ندارد. ولی با این حال می توان حکم جواز را در این مسئله با چند وجه تاءید کرد.

۱. به شهادت تاریخ صورتگری در اکثر نقاط دنیا و بین ملل و اقوام مختلف از قبیل مصری ها<sup>۳۹</sup> هندی ها<sup>۴۰</sup> ژاپنی ها<sup>۴۱</sup> چینی ها<sup>۴۲</sup> قوم سومر<sup>۴۳</sup> و اقوام دیگر حتی انسانهای اولیه<sup>۴۴</sup> وجه آئینی داشته و از شئون دینی به شمار می رفته است.

به طور کلی مجسمه ها غالباً با گرایش عبادی و برای معابد و مقابر ساخته می شده است. مجسمه ساز در همه دوره های تاریخی پیش از آنکه آرزوی خود را در آثار خود متجلی سازد، خواست متولیان امور دینی را عملی می ساخته تا آنجا که در بین اعراب جاهلی، مجسمه هیچ نقشی جز اشباع نیاز بشر به پرستش و عبودیت نداشته است.

۲- موضع قرآن در قبال صورتگری، جز در مواردی که بحث از بت و بتگری و بت پرستی است، موضع مواجهه با محرّمات نیست. قرآن کریم قدرت عیسی (ع) بر ساختن پرنده گلین و دمیدن جان در او را به عنوان معجزه و نشانه نبوت عیسی (ع) مطرح کرده و ساختن تمثال برای حضرت سلیمان را به عنوان نعمتی که بر بندگان صالح خود ارزانی داشته عنوان می دارد و بدون هیچ اعتراضی که بر منع و تحریم آن دلالت کند از آن می گذرد. اگر نقاشی مجسمه به طور مطلق حتی بدون گرایش عبادی حرام بود لازم بود در این آیات اشاره ای به آن می شد.

۳- در تعدادی زیادی از روایات وارد شده و تعدادی از فقها به آن فتوا داده‌اند که اگر صورت و تمثال مورد اهانت قرار گیرد، نگهداری آن اشکالی ندارد. اگر موضوع روایاتی که در صدد منع صورت‌گیری وارد شده نقاشی و مجسمه‌سازی معمولی باشد اهانت به مجسمه و نقاشی کاری لغو و بیهوده است. در تعدادی زیادی از روایات سخن از لگد کردن و اهانت به صورت و تمثال به میان آمده است. به طوری که استفاده می‌شود اهانت به صورت و تمثال مطلوب شارع و مجوز استفاده از وسیله‌ای است که تمثالی بر آن نقش شده.

از پاره‌ای از این روایات استفاده می‌شود این اهانت در مقابل احترامی است که مشرکین برای صورت‌ها و تمثال‌ها قایلند می‌دانیم که مشرکین هر نقاشی و مجسمه‌ای را تجلیل نمی‌کنند بلکه تنها تمثیلی را با دیده احترام می‌نگرند که جنبه آئینی داشته باشد. ما تعدادی از این روایات را در اینجا نقل می‌کنیم:

۱- کلینی از امام رضا (ع) نقل کرده است که فرمود: کسی از امام باقر (ع) سؤال کرد: آیا می‌توان بر روی زیراندازی نشست که دارای تمثال است؟ حضرت فرمود: عجم‌ها تمثال را بزرگ می‌دارند و ما آن را خوار می‌داریم.<sup>۴۵</sup>

۲- در کتاب مکارم الاخلاق از امام کاظم (ع) روایت شده که فرمود:

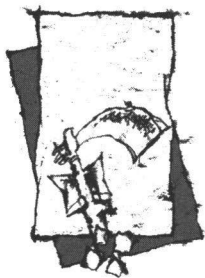
گروهی بر امام باقر وارد شدند، دیدند حضرت بر روی فرشی نشسته که دارای تمثیل است در این باره از او سؤال کردند، فرمود: خواستم به آن اهانت کنم.<sup>۴۶</sup>

۳- شیخ صدوق از امام باقر (ع) روایت کرده است که فرمود:

اشکالی ندارد که بر روی تمثال نماز بخوانی، اگر در زیر پایت قرار گیرد.<sup>۴۷</sup> کلینی از ابوبصیر روایت کرده است که از امام صادق (ع) درباره پشتی و زیراندازی که دارای تمثال است سؤال کردم. فرمود: اشکالی ندارد. گفتم: خود تمثال چطور؟ فرمود هر چیزی که لگد شود اشکالی ندارد.<sup>۴۸</sup>

روایات فراوانی وارد شده که این مضمون را با بیان‌های مختلف افاده می‌کنند، از این رو بسیاری از فقهای شیعه و سنی اهانت به تصاویر و تمثیل را مجوز استفاده از آنها دانسته‌اند؛ که از آن جمله است شیخ طوسی<sup>۴۹</sup>، کیدری<sup>۵۰</sup>، علامه حلی<sup>۵۱</sup>، شهید اول<sup>۵۲</sup> و مقدس اردبیلی.<sup>۵۳</sup>

از این روایات و فتاوی استفاده می‌شود موضوع بحث، تمثیل و تصاویری است که مورد



تعظیم مشرکان و بت پرستان بوده است و ائمه (ع) به پیروان خود دستور داده اند با اهانت به آنها خود را از شبهه گرایش به بت تبرئه کنند. در غیر این صورت اهانت به مجسمه و نقاشی کاری عاقلانه نیست و حسنی ندارد که شارع ما را به آن مکلف کند.

۴- طبق پاره ای از روایات برخورد معصومین با نقاشی و مجسمه به گونه ای بوده است که معلوم می شود این موضوع از نظر ایشان قابل اغماض بوده است. به چند روایت در این زمینه توجه فرمایید.

۴-۱- در مکارم الاخلاق از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: گاهی برای نماز برمی خیزم می بینم در مقابلم یک پستی وجود دارد که دارای عکس پرنده است من برای نماز پارچه ای روی آن می اندازم و فرمود: از شام برایم زیراندازی هدیه آورده اند که عکس پرنده دارد، دستور دادم سرپرندگان را به شکل درخت تغییر دهند.<sup>۵۴</sup>

۴-۲- برقی روایت کرده است که شخصی به امام باقر (ع) عرض کرد: خدایت رحمت کند! این تمثال ها چیست که در خانه های شما می بینم. حضرت فرمود: اینها مال زنهاست. یا فرمود: مربوط به اتاق زنهاست.<sup>۵۵</sup>

۴-۳- مسلم در صحیح خود از عایشه همسر پیامبر اکرم (ص) روایت کرده است که گفت: پارچه عکس داری داشتم که بر در گنجه ای آویخته بودم، آن سو که پیامبر اکرم (ص) نماز می خواند، حضرت فرمود: این را از مقابل من بردار. من هم آن را برداشتم و از آن دو پستی درست کردم.<sup>۵۶</sup> بعضی از فقها علی رغم اینکه صورتگری را فی الجمله حرام می دانند به صراحت گفته اند که اگر مجسمه برای غرضی عقلایی ساخته شده جایز است.

حضرت امام در تحلیل روایت تحف العقول آورده است: تمثال روحانیون که مردم آنها را عبادت و تکریم می کنند حرام است ولی آنچه مردم از آن بهره ای مثل تزئین و سایر اغراض عقلانی می برند حلال است خواه تمثال روحانی باشد یا غیر روحانی.<sup>۵۷</sup>

همچنین بسیاری از فقهای اهل سنت گفته اند: ساختن عروسک برای بازی دختر بچه ها جایز است چرا که دختر بچه ها به این وسیله تربیت کودک را تمرین می کنند.<sup>۵۸</sup>

از مجموع این قرائن استفاده می شود که دین مقدس اسلام بین صورتگری عادی با صورتگری برای ساخت بت و هیاکل عبادت تفاوت قائل است و موضوع حکم در ادله ای که بر حرمت صورتگری دلالت دارند بتگری است. بنابراین ساختن مجسمه و کشیدن نقاشی در صورتی که با گرایش عبادی نباشد جایز است.



## صورت‌گیری در عصر حاضر

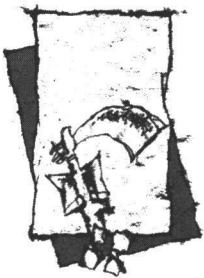
از آنچه گذشت به این نتیجه رسیدیم که حرمت نقاشی و مجسمه‌سازی از روز نخست به رویکرد عبادی مقید بوده است. با این ملاحظه هریک از این دو رشته با رویکرد هنری در اصل فقه محکوم به جواز و اباحه می‌باشد. ولی اگر فرض کنیم که حکم حرمت در روایات که دلیل عمده این حکم هستند به طور مطلق آمده و مقید به آنچه گفتیم نبوده است، از این نکته نمی‌توان صرف نظر کرد که نقاشی و مجسمه در ظرف تشریح تنها از نظر عبادی مورد توجه انسان قرار گرفته است و هم از این رو قبل از اسلام در شرایع دیگر بارها تحریم شده.<sup>۵۹</sup>

بنابراین و با توجه به اینکه نقاشی و مجسمه‌سازی خود دارای قبح ذاتی نیستند و به تبع عناوینی که بر آنها منطبق می‌شود تحت عنوان نیک یا بد قرار می‌گیرند، اگر از این قید آزاد شوند و از جنبه دیگری مورد توجه انسان قرار گیرند، حکم حرمت نیز خود به برداشته می‌شود برای اثبات این فرض توضیح دو مطلب ضروری است:

۱- افعال زشتی که انسان انجام می‌دهد بر سه دسته است

دسته اول: افعالی که ذاتاً زشت و قبیحند به طوری که خود، علت قبح به شمار می‌روند و عقل انسان آنها را تقبیح کرده و عقلاً فاعل آن را نکوهش می‌کنند. مثل ظلم که به هر صورت تحقق پیدا کند عقل آن را مذمت می‌کند. این گونه افعال در همه ادیان آسمانی تحریم شده و به هیچ وجه حرمت آنها برداشته نمی‌شود. دسته دوم: افعالی که خود علت قبح به شمار نمی‌روند ولی به گونه‌ای هستند که اگر عنوان نیکی بر آنها منطبق نشود، زشت و نکوهیده‌اند. مثل دروغ که اگر مصلحتی مثل حفظ جان یا اصلاح بین دو تن بر آن مترتب نباشد در نظر عقل نکوهیده است. این دسته نیز دارای قبح ذاتی هستند و زشتی خود را از عنوان دیگر کسب نمی‌کنند.

دسته سوم: افعالی که در ذات خود هیچ حسن و قبحی ندارند ولی در صورتی که تحت عنوان قبیحی قرار گیرند قبیح شمرده می‌شوند و اگر عنوان نیکی بر آنها منطبق شود نیکو تلقی می‌شوند. اینگونه افعال برخلاف دو دسته سابق در هیچ شریعتی با عنوان خود تحریم نشده‌اند بلکه در همه شرایع تابع عناوینی هستند



که بر آنها منطبق می شود. ۶۰

نقاشی و مجسمه سازی از این قبیل افعال هستند که اگر بر عنوان زشتی منطبق شوند تحریم و اگر بر عنوان نیکویی منطبق شوند تجویز می شوند. از این رو مرحوم طبرسی معتقد است صورتگری ممکن است در زمانی ناپسند باشد و در زمانی دیگر ناپسند نباشد<sup>۶۱</sup> و زمخشری نوشته است: صورتگری از جمله افعالی است که ممکن است در ادیان مختلف احکام مختلفی داشته باشد، چون از افعالی نیست که مثل ظلم و دروغ عقل زشتی آنها را دریابد<sup>۶۲</sup>.

۲. دومین مطلبی که برای اثبات فرض فوق ضروری است اینکه موضوع، نسبت به حکم شرعی همانند علت نسبت به معلول است، زیرا همانطور که معلول بدون وجود علت محقق نمی شود، بدون تحقق موضوع نیز حکمی تحقق نمی یابد. حکم در وجود و عدم خود تابع موضوع است. بنابراین هرگونه تحولی در موضوع موجب تحول حکم می شود. نقاشی و مجسمه سازی در عصر حاضر با زمان تشریح از سه جهت تفاوت پیدا کرده است زیرا:

اولا دارای ملاکی که موجب حرمت آن شده باشد، نیست.

ثانیا در ارتباط با پدیده های دیگر مناسباتی متفاوت از زمان تشریح پیدا کرده است.

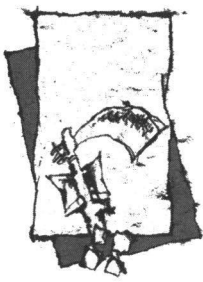
ثالثا در ظروف و شرایطی متفاوت با ظروف و شرایط عصر تشریح محقق می شود. انسان زمان تشریح، مجسمه را برای پرستش می تراشید و نقاشی را به منظور ماندگاری یاد معبودهای خود می کشید. به همین دلیل نقاشی و مجسمه موجب گمراهی انسان و انحطاط جوامع بشری بود. مردم مجسمه سازی را از شئون دینی و پیکر تراش را از دست اندرکاران امور آیینی می شمردند. پس از ظهور اسلام با آنکه پیامبر اکرم (ص) با زحمات فراوان جامعه مسلمین را از لوث بت ها و هیاکل عبادت تطهیر کرد، علاقه به بت به طور کلی از قلوب ریشه کن نشد.

همه مسلمانان پدران و مادران خود را به یاد می آوردند که در مقابل صورتها و تمثالها تعظیم و کرنش می کردند. از این رو وجود مجسمه و امثال آن به هر صورت می توانست حسن تعظیم در بیننده برانگیزد. ولی انسان امروز، صورتگری را به عنوان یک فعالیت هنری تلقی می کند و گرایش هنری یکی از گرایش های متعالی انسان است که نه تنها با تعالی و

تکامل روح انسانی هیچ منافاتی ندارد، بلکه می‌تواند با جلب توجه انسان به جمال و زیبایی او را به جمیل‌ترین جمال هستی یعنی ذات مقدس پروردگار متوجه سازد. انسان امروز با خلق صورت و تمثال به سوی مقصدی حرکت می‌کند که انسان عصر تشریح با صورتگری و پیکرتراشی از آن دور می‌شد. بنابراین به جاست که بگوییم به همان دلیلی که صورتگری در عصر تشریح تحریم شده در عصر حاضر تجویز می‌شود.

## منابع

۱. رک: آلوسی، روح المعانی، ج ۲۲، ص ۱۱۹ قرطبی، جامع الاحکام، ج ۱۴، ص ۲۷۲.
۲. تیبان، ج ۱، ص ۲۶۳.
۳. مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۰۹.
۴. نهایه، ص ۳۶۳.
۵. رک: مکاسب محرمة، ج ۱، ص ۲۵۵.
۶. رک: مصباح الفقاهه، ج ۱، ص ۲۲۰.
۷. رک: ابوالفتح خوارزمی، المغرب، ماده صور و مثل و طریخی، مجمع البحرین و سیدجواد جبل عاملی، مفتاح الکرامه، ج ۴، ص ۴۷ و علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۲۴۳.۵ و عینی، عمدة القاری، ج ۲۲، ص ۷۰ و ابن عابدین، حاشیه ردالمختار، ج ۱، ص ۴۳۵.
۸. رک: ابن ادریس، سرائر، ج ۲، ص ۲۱۵ و شهید ثانی، مسالک، ج ۳، ص ۱۱۶ و شرح لمعه، ج ۳، ص ۲۱۲ و محقق کرکی، جامع المقاصد، ج ۴، ص ۲۳ و نراقی، مستند الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۰۸.۹ و محدث بحرانی، حدائق، ج ۱۸، ص ۱۰۰ و صاحب ریاضی، ریاضی، ج ۵، ص ۲۰ و ۲۱ و سیدجواد عاملی، مفتاح الکرامه، ج ۴، ص ۴۸ و شیخ انصاری، مکاسب، ص ۳۳.
۹. رک: مفید. مقنعه، ص ۵۸۷ و سلار، مراسم، ص ۱۷۰، و محقق شرایع، ص ۲۶۴ و مختصر، ص ۱۹۶ و علامه، قواعد، ج ۱، ص ۱۲۰ و شهید اول، دروس، ج ۳، ص ۱۶۳.
۱۰. مفتاح الکرامه، ج ۴، ص ۵۰ و جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۴۱.
۱۱. مفتاح الکرامه، ج ۴، ص ۵۰.
۱۲. رک: ریاضی، ج ۵، ص ۱۹ و جامع المقاصد، ج ۴، ص ۲۳ و مجمع الفائدة و البرهان، ج ۸، ص ۵۴ و جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۴۱.
۱۳. رک: کفایه، ص ۸۵ و جامع المقاصد، ج ۴، ص ۲۳ و مفتاح الکرامه، ج ۴، ص ۴۸ و روح المعانی، ج ۲۲، ص ۱۱۹ و عمدة القاری، ج ۲۲، ص ۷۰ و جواهر الاکلیل، ج ۱، ص ۳۲۶.
۱۴. محاسن، ج ۱، ص ۴۵۳، ب ۵ ح ۳۳.
۱۵. سورة سباء، آیه ۱۳.
۱۶. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۲۰، ب ۹۴ ج ۱.
۱۷. رک: وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۶۰ و ۵۶۱ ج ۲ و ۵ و ج ۱۲، ص ۲۲۰ و ۲۲۱، ح ۶ و ۷ و ۸ و صحیح بخاری، ج ۷، ص ۳۰۷، ب ۵۰۸ ح ۸۳۶ و ص ۳۱۰، ب ۵۱۶ ح ۸۴۷.
۱۸. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۶۲، ب ۳، ح ۱۲.
۱۹. محاسن، ج ۲، ص ۴۵۳، باب ۵ ح ۳۴.
۲۰. رک: محاسن، ج ۲، ص ۴۵۳، ب ۵ ح ۳۵ و صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۶۶، کتاب الجنائز، باب ۳۱ ح ۹۶۹.
۲۱. مکاسب محرمة، ج ۱، ص ۲۵۸.۹.



۲۲. فتح الباری، ج ۱۰، ص ۴۷۰.
۲۳. معانی الاخبار، ص ۱۸۱.
۲۴. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۶۲ ب ۳، ح ۹.
۲۵. محاسن برقی، ج ۲، ص ۴۵۶، باب ۵ ح ۴۶.
۲۶. همان ص ۵۶۱ ح ۳ و ص ۵۶۳ ح ۱۴.
۲۷. محاسن، ج ۲، ص ۴۵۴، ب ۵ ح ۳۸.
۲۸. محاسن، ج ۲، ص ۴۵۸، ب ۵ ح ۵۴.
۲۹. رک؛ سید محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۱، ص ۱۳۸.
۳۰. رک؛ محقق ایروانی، حاشیه مکاسب، ج ۱، ص ۱۲۹ و ۱۳۵.
۳۱. محاسن، ج ۲، ص ۴۵۲، ب ۵ ح ۵۵.
۳۲. محاسن، ج ۲، ص ۴۵۳، باب ۵ ح ۳۷.
۳۳. صحیح بخاری، ج ۷، ص ۳۰۸، ب ۵۱۰ ح ۸۴۰.
۳۴. شرح مسلم، ج ۱۳ و ۱۴، ص ۳۳۲، ج ۹۰.
۳۵. فتح الباری، ج ۱۰، ص ۴۷۵.
۳۶. هذایة الطالب، ص ۲۳.
۳۷. امام خمینی، مکاسب محرمة، ج ۱، ص ۲۸۵.
۳۸. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۶۰ و اکمال الدین ص ۵۲۱، باب توفیقات.
۳۹. تاریخ پیشرفت علمی و فرهنگی بشر، ج ۱، بخش ۲، قسمت ۲، ص ۸۰۴.
۴۰. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۲۲۴.
۴۱. همان، ص ۹۵۷.
۴۲. همان، ص ۷۱۴.
۴۳. تاریخ پیشرفت علمی و فرهنگی بشر، ج ۱، بخش ۲، قسمت ۲، ص ۸۳۱.
۴۴. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۱۰۵.
۴۵. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۶۳ ب ۴، ح ۱.
۴۶. همان، ص ۵۶۶ ح ۴.
۴۷. همان، باب، ح ۷.
۴۸. همان، باب، ح ۲.
۴۹. رک؛ مبسوط، ج ۱، ص ۲۳۴.
۵۰. رک؛ تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۳۱.
۵۱. رک؛ مجمع الفائدة والبرهان، ج ۲، ص ۲۲.
۵۲. رک؛ اصباح الشیعه، ص ۲۴۶.
۵۳. رک؛ دروس، ج ۳، ص ۱۶۳.
۵۴. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۶۵ ب ۴، ح ۷.
۵۵. همان، ص ۵۶۴ ح ۶.
۵۶. شرح مسلم، ج ۱۳ و ۱۴، ص ۳۳۳ ح ۹۳.
۵۷. مکاسب محرمة، ج ۱، ص ۲۷۵.
۵۸. رک؛ ماوردی الحاوی الکبیر، ج ۹، ص ۵۶۳ و قرطبی، جامع الاحکام، جامع الاحکام، ج ۱۴، ص ۲۷۵ و مشربینی، مغنی المحتاج، ج ۳، ص ۲۴۸.
۵۹. رک؛ ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۲۵۰ و ۶۶۸ و ۸۰۹، ج ۴، بخش ۱، ص ۵۴۷ و ۵۴۸ و تورات سفر تنیه، ۱۸.۱۶۰۴.
۶۰. افعال نیک انسان نیز به همین صورت قابل تقسیم‌اند ولی ما به تناسب بحث خود فقط کارهای ناپسند را مطرح کردیم.
۶۱. نگا؛ مجمع البیان، ج ۴، ص ۳۸۴.
۶۲. نگا؛ کشف، ج ۳، ص ۳.